

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۱۰-۵۸۸
 نقش مولفه های فرهنگی - اجتماعی در روابط اسرائیل با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)^۱

عباس شفیعی^۲

دکتر زهره پوستین چی^۳

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین^۴

دکتر حسن خداوردی^۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۶

تا ریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۸

چکیده

در این مقاله به بررسی تاثیر مولفه های فرهنگی - اجتماعی در روابط اسرائیل با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ پرداخته می شود. اسرائیل در راهبردهای سیاست خارجی خود با آگاهی از اینکه فرهنگ و مسائل اجتماعی به عنوان قدرت نرم مطرح هستند، سعی داشته است تا نقش مهمی را برای این مولفه قائل شود. در این بین، آسیای مرکزی و قفقاز و به خصوص کشورهایی مانند آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان کانون اصلی و اساسی سیاست خارجی اصلی را در بعد فرهنگی و اجتماعی شکل می دهد. با توجه به این امر، سوال اصلی مقاله این است که مولفه های فرهنگی و اجتماعی در روابط اسرائیل با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که مولفه های فرهنگی و اجتماعی در روابط اسرائیل با آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به واسطه ی تلاش در جهت جدایی هنجاری - فرهنگی، زمینه ساز تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می شود. نتایج تحقیق نشان می دهد اسرائیل از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ نقش مهمی را برای فرهنگ و مسائل اجتماعی قائل شده و اصلی ترین مولفه ی این کشور در جهت نفوذ فرهنگی و اجتماعی استفاده از یهودیان مقیم در کشورهای مذکور می باشد که سعی دارد با استفاده از این ظرفیت، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند. نوع روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای است.

کلمات کلیدی: مولفه های فرهنگی و اجتماعی، اسرائیل، آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان،

جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی

^۱ این مقاله از رساله ی دکترا با عنوان روابط خارجی اسرائیل با آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۲۰-۲۰۱۱) استخراج شده است.

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

^۴ استاد گروه روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

^۵ استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

یکی از ویژگی‌های اصلی تفکر امنیتی اسرائیل طی دهه‌های گذشته توسعه مفهوم "استراتژی بزرگ" برای هماهنگی منابع و ظرفیت‌های داخلی در جهت به دست آوردن اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. نتیجه تلاش نخبگان سیاسی و اقتصادی اسرائیل برای تعریف یک استراتژی بزرگ منجر به شکل‌گیری دکترین اتحاد پیرامونی شد که در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط بن‌گورین تدوین و به اولویت اول سیاست خارجی اسرائیل تبدیل شد. آسیای مرکزی و قفقاز را میتوان نقاط عطفی در استراتژی پیرامونی جدید اسرائیل دانست. آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، گزینه‌های بسیار مناسبی هستند که می‌توانند اسرائیل را در دست‌یابی به اهداف خود یاری‌رسانند. در نتیجه‌ی این امر، اسرائیل سعی در توسعه روابط خارجی خود با این کشورها داشته است. یکی از ابعاد این روابط، مربوط به همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی است. از فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود؛ چرا که قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است. با توجه به این امر، اسرائیل در راهبردهای سیاست خارجی خود، نقش مهمی را برای فرهنگ و مسائل اجتماعی قائل است تا با توجه به این مولفه، به مقابله با تهدیدات محیطی و منطقه‌ای بپردازد. هدف اصلی اسرائیل در جهت گسترش مناسبات فرهنگی و اجتماعی با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، مقابله با نفوذ فرهنگی - اجتماعی ایران در این کشورها است. در این مقاله ابعاد و زوایای مختلف این مساله مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

نظریه سازه‌انگاری می‌تواند روابط فرهنگی و اجتماعی اسرائیل با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان را توجیه کند. عامل فرهنگ امروزه نقش مهمی را در روابط خارجی اسرائیل با سه کشور آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان ایفا می‌نماید. از سوی دیگر عامل یهود و وجود هویتی به نام یهود در تعاملات فرهنگی اسرائیل با سه کشور مذکور نقش اساسی ایفا می‌نماید.

سازه‌انگاری که در فارسی با عناوین سازنده‌گرایی، تفسیرگرایی، تکوین‌گرایی و برساخته‌گرایی به کار می‌رود؛ تنها یک نظریه به شمار نمی‌رود، بلکه بیشتر یک رهیافت و چهارچوب تحلیلی تلقی می‌شود. این رهیافت، به ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ که

ناکارآمدی نظریه های مسلط بر روابط بین المللی در تبیین و پیش بینی وقایع پیش آمده آشکار شد، اهمیت وافری یافت. از این رو، نگرش های اثبات گرا و خودگرایی روابط بین الملل به چالش کشیده شدند و نظریه هایی در چهارچوب نگرش های تفسیری و هرمنوتیک انتقادی و فراساختارگرا ظهور کردند که از دیدگاه آنها همه واقعیت های اجتماعی به وسیله زبان، ایده ها و مفاهیم برساخته می شوند و هر معنایی در پرتوی قدرت زبان و گفتمان قرار دارد. نظریه سازه انگاری با قرار گرفتن میان این دو رهیافت؛ از یک سو، به ویژگی های مکاتب خردگرا و اثبات گرا اهمیت می دهد و از سوی دیگر، با تمرکز بر معانی که بازیگران به رفتار خود می دهند و تأکید بر ایده ها، باورها، ساختارهای هنجاری و توجه به شکل گیری هویت بازیگران، به نظریه های بازتابی نزدیک می شود. (نظری و صحرايي، ۱۳۹۴: ۶۴).

اگر سازه انگاری را چهارچوبی تحلیلی بدانیم، در آغاز باید به این پردازیم که این چهارچوب بر مبنای چه نوع هستی شناسی و معرفت شناسی شکل گرفته است. به رغم تفاوت های کم و بیش قابل ملاحظه ای که در این زمینه میان سازه انگاران وجود دارد، می توان دید که شباهت هایی نیز به هم دارند که مجموع آنها را به نوعی از نظر مباحث فرانظری در «میان» طیف طبیعت گرایان، اثبات گرایان از یک سو و پساساختارگرایان از سوی دیگر و در مباحث محتوایی روابط بین المللی در «میان» دو بخش جریان اصلی یعنی واقع گرایی و لیبرالیسم قرار می دهد. دو بحث اصلی فرانظری عبارت اند از هستی شناسی و معرفت شناسی. در مباحث سازه انگاران هستی شناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، اما آنها به معرفت شناسی نیز کم و بیش توجه داشته اند. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۳)

۱- هستی شناسی

مباحث هستی شناسی به وضوح کانون اصلی توجه سازه انگاران را تشکیل می دهند. بسیاری بر آن اند که مهم ترین مسئله سازه انگاری در روابط بین الملل در بعد هستی شناسی است و سازه انگاران اساساً کانون بحث در حوزه روابط بین الملل را از معرفت شناسی به هستی شناسی منتقل کرده اند. توجه سازه انگاران از یک سو، به انگاره ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه هاست. تأکید آنها بر «نقش تکوینی عوامل فکری» است که آنها را در برابر «مادی گرایی» حاکم بر جریان اصلی در روابط بین الملل قرار می دهد. در برداشت هستی شناختی سازه انگارانه دیوید دسلر از مدل گشتاری ساختار بین المللی، ساختار هم شامل منابع است و هم قواعد (یعنی رسانه هایی که کنشگران از طریق آنها با هم ارتباط برقرار می کنند و میان کنش های خود هماهنگی ایجاد می نمایند). بنابراین

استفاده از منابع و توانمندی‌ها در چارچوبی معنایی صورت می‌گیرد. قاعده به معنای فهم این مسئله است که در یک شرایط اجتماعی خاص چگونه باید عمل کرد. از دید دسلر دو دسته از قواعد یعنی قواعد تنظیمی و قواعد تکوینی اهمیت دارند. رفتاری که در پیروزی از قاعده صورت گیرد معنادار است. قواعد تنظیمی در شرایط تعریف شده رفتارهایی را تجویز یا منع می‌کنند و عدم پیروی از آنها با مجازات همراه است. قواعد تکوینی اشکال جدید رفتار را خلق یا تعریف می‌نمایند و عدم پیروی از آنها باعث فهم‌ناپذیری کنش می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۴)

به بیان دیگر، سازه‌انگاران بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید دارند. امانوئل آدلر به خوبی این دو وجه را در تعریف خود از سازه‌انگاری جمع کرده است. او سازه‌انگاری را دیدگاهی می‌داند که نشان می‌دهد «چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش و تعامل انسانی وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت‌شناختی جهان مادی است. این به معنای نقش جهان مادی در برساختن جهان اجتماعی است». الکساندر ونت در موضع‌گیری شبیه به علم‌گرایان بر آن است که «(۱) جهان مستقل از ذهن و زبان ناظران منفرد وجود دارد؛ (۲) نظریه‌های علمی نوعاً به این جهان اشاره دارند؛ (۳) حتی اگر این جهان مستقیماً قابل مشاهده نباشد.» اما او در عین حال قائل به تفاوت میان «انواع طبیعی» و «انواع اجتماعی» است: (۱) انواع اجتماعی از نظر زمانی و مکانی خاص‌ترند؛ (۲) انواع اجتماعی وابستگی بیشتری به اعتقادات کنشگران دارند؛ (۳) انواع اجتماعی بیشتر وابسته به رویه‌های انسانی هستند. از نظر ونت، واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی و نولبرالیسم مادی‌گرا هستند. ونت با تأکید بر آراء تعامل‌گرایان نمادین بر آن است که اولاً، اشخاص بر اساس معانی که چیزها و سایر کنشگران برای آنها دارند عمل می‌کنند؛ و ثانیاً، این معانی در ذات جهان نیستند، بلکه در تعامل شکل می‌گیرند. به نظر او، با وجود اینکه توانمندی‌های مادی اهمیت دارند، اما می‌توان به شکلی «فرهنگی‌تر» در مورد مفهوم «ساختار» اندیشید و به جای تصویر بدبینانه ناشی از تمرکز قدرت، با «تأکید بر بعد فرهنگی ساختار» به «امکانات جدید برای تغییر» رسید. (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۶-۳۲۳) از این منظر، این ساختارها شناختی مشترک‌اند که به عنوان بستر منابع مادی عمل می‌کنند و به آنها معنای لازم را برای کنش انسانی می‌دهند.

۲- معرفت‌شناختی:

در مباحث فرانتزنی، عمده‌ترین مسائل مورد توجه سازه‌انگاران هستی‌شناسی است، اما این به معنای آن نیست که مباحث معرفت‌شناختی اهمیتی ندارند. البته ونت معتقد

است که در مناظره سوم بیش از حد بر اهمیت موضوعات معرفت‌شناختی تأکید می‌شود: «آنچه اهمیت بیشتری دارد، این است که چه چیزی هست، نه اینکه ما چگونه می‌توانیم آن را بشناسیم». در عین حال، او می‌داند که معرفت‌شناسی پیامدهای مهمی دارد زیرا مواضع معرفت‌شناختی بر امکان طرح پرسش‌ها، روش پاسخ به آنها و نوع شناخت تولیدی تأثیر دارند. به همین دلیل است که از میان سازه‌انگاران، او بیش از همه وارد مباحث معرفت‌شناختی نیز شده است. اما در زمینه معرفت‌شناختی - روش‌شناختی، اختلاف نظر در درون اردوگاه سازه‌انگاران شاید مشهودتر از اختلافات هستی‌شناختی است، هرچند که به یک معنا در این زمینه نیز همه این مواضع بیش یا کم جنبه راه میانی دارند. از میان سازه‌انگاران شاید بتوان گفت که نزدیک‌ترین فرد به علم‌گرایی ونت است که درصد «علمی ساختن» مطالعه سیاست بین‌الملل است. ونت بر آن است که تفاوت هستی‌شناختی میان انواع طبیعی (مانند آب، چوب، اتم و...) و انواع مسائل اجتماعی (مانند دولت، خانواده و...) وجود دارد، اما از نظر او این تفاوت منتهی به معرفت‌شناسی متفاوتی نمی‌شود، بلکه می‌تواند مستلزم «روش‌های» متفاوتی باشد. دانشمندان در هر دو قلمرو مطالعات طبیعی و اجتماعی به تبیین این سؤال می‌پردازند که چرا چیزی به چیز دیگر منتهی می‌شود و به فهم این مسئله توجه دارند که چگونه چیزها با هم جمع می‌شوند تا آن قدرت علی را که دارند داشته باشند. ونت برای توجیه موضع معرفت‌شناختی خود به فلسفه یا نظریه علم موسوم به «واقع‌گرایی علمی» متکی است. از منظر این نظریه، برخلاف فلسفه‌های تجربه‌گرا می‌توان به واحدهای نامشهودی چون ساختارها پرداخت. در اینجا او با اتکاء بر آراء روی باسکار، فیلسوف واقع‌گرای علم، بر آن است که واقعیت مستقل از انسان‌ها وجود دارد، این واقعیت می‌تواند نامشهود یا مشاهده‌ناپذیر باشد، ولی جنبه‌ی فکری و معنایی واقعیت اجتماعی مانع از امکان شناخت علمی آن نمی‌شود. (سینیتا، ۱۳۸۳: ۷۵)

به نظر رکسان دوتی این موضع ونت دچار تناقض است. او عملاً می‌بیند که نمی‌تواند مفهوم‌بندی یا تعریف دقیقی از مفاهیم داشته باشد و نمی‌تواند مشخص کند که آیا مثلاً آنارشسی ساختار است یا نهاد و به همین ترتیب، در موارد متعدد برخلاف موضع علم‌گرایانه که تأکید بر نظم با ثبات پدیده‌ها دارد، این نظم را در برداشت‌های خود هم ندارد، اما اینها نه نشانه اشکال در نظریه‌پردازی ونت، بلکه ناشی از «وضعیت پیچیده و نسبتاً بی‌شکل امور» است که ونت (بیهوده) می‌کوشد آنها را تحت برداشت «اثبات‌گرایانه» از علم قرار دهد. یکی از محورهای مورد توجه در معرفت‌شناسی رابطه‌ی میان علت و دلیل است. موضع سازه‌انگاران در این زمینه یکدست نیست. کراتوچویل

دلایل را «تکوینی» می‌داند، ولی ونت دلایل را هم تکوینی و هم «علی» تلقی می‌کند. مسئله دیگری که در سطح معرفت‌شناختی نیز مهم است مسئله کارگزار و ساختار است.

سازه‌انگاران به جای تمرکز صرف بر انگیزه‌های مادی، بر اهمیت دانش و یا دکتترین مشترک، نیروهای اندیشه و ساختارهای هنجاری و نهادی تأکید می‌ورزند. آنان معتقدند که با درک ساختارهای بین‌الذهانی می‌توان جهت تغییر منافع و هویت‌ها و نیز ظهور اشکال جدید همکاری را در طول زمان ردیابی کرد. به طور کلی سازه‌انگاران به ساختن هویت‌ها و منافع توجه خاصی داشته و به جای بهره‌گیری از رویکرد اقتصادی بیشتر رویکرد جامعه‌شناختی نسبت به نظریه سیستمیک دارند. همچنین سازه‌انگاران بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و به این نتیجه می‌رسند که بدون توجه به فرهنگ سیاسی جهانی استانداردکننده نمی‌توان ثبات بالای نظام دولتی و کاهش تنوع اشکال سیاسی را توضیح داد. در عین حال آنها از ایدئالیسم نیز اجتناب می‌کنند و تأکید دارند که همه چیز را به زبان و گفتمان تقلیل نمی‌دهند.

روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)

اسرائیل تلاش گسترده‌ای را برای گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی، سیاسی، گشایش خطوط پروازی و برقراری رابطه رسمی سیاسی با جمهوری آذربایجان برای حضور فعال در این منطقه انجام داده است؛ از جمله تأسیس آژانس مهاجرین یهودی در سال ۱۹۹۱، تأسیس انجمن حقوق زنان یهود در سال ۱۹۹۲، سفر معاون نخست وزیر اسرائیل به باکو در سال ۱۹۹۲، تأسیس سفارت در باکو در سال ۱۹۹۲. برگزاری نشست انجمن دوستی جمهوری آذربایجان - اسرائیل در حیفا در ۱۹۹۲، معرفی الیزبو توات در (۱۳۷۲ ش) سال ۱۹۹۳ به عنوان کاردار موقت اسرائیل در باکو و ارتقا به عنوان اولین سفیر در سال ۱۹۹۴، تأسیس مرکز خیریه «هاوا» به ریاست یوسفوا سولماز در سال ۱۹۹۶ در باکو، راه اندازی شعبه آذربایجانی نهاد آمریکایی مرکز فرهنگی جامعه یهودیان در آوریل ۲۰۰۳ در باکو، در ۲۷ اوت ۲۰۰۷ کنگره آذری‌ها در اسرائیل تأسیس شد (کولایی و رضازاده، ۱۳۹۲: ۲۳). باید توجه داشت که جمهوری آذربایجان با وجود روابط گسترده با اسرائیل، تا سال ۲۰۱۳ در اسرائیل سفارت نداشته است.

در خصوص روابط فرهنگی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان، مسائل متنوع و مختلفی وجود دارد که رژیم صهیونیستی با استفاده از آنها سعی در توسعه نفوذ خود در میان نخبگان و جوانان جمهوری آذربایجان دارند. رژیم صهیونیستی با درک بافت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه جمهوری آذربایجان در برخورد با این کشور، معتقدند که مسئله روابط فرهنگی برای این کشور اهمیت زیادی دارد. چرا که اگر رژیم

صهیونیستی در طراحی مناسبات خود با جمهوری آذربایجان، مقوله فرهنگی را کم‌رنگ تصور کند در آن صورت در بلندمدت زمینه‌های فعالیت‌های خود را از دست خواهد داد. بنابراین رژیم صهیونیستی از ابتدای ورود خود در جمهوری آذربایجان کوشیده است تا حضور خود را در قالب فرهنگی بیشتر نمود دهد. این کشور با ارسال دارو و کمک‌های پزشکی به مجروحان جنگی جمهوری آذربایجان، کمک‌رسانی بلاعوض به آوارگان قره‌باغ، ساخت بیمارستان و مراکز فرهنگی آموزش زبان انگلیسی، کامپیوتر و موزیک در ایجاد نزدیکی با قشر جوان و تحصیل کرده این کشور تلاش کرده است. (مومنی، ۱۳۸۵: ۵)

برگزاری تورهای بازدید از رژیم صهیونیستی توسط آژانس «سخونت» و وابسته فرهنگی رژیم صهیونیستی در باکو با هزینه سفارت رژیم صهیونیستی جهت آشنایی جوانان مسلمان جمهوری آذربایجان با صنعت و پیشرفت و توسعه دموکراتیک جامعه رژیم صهیونیستی و انتقال تجربیات به جمهوری آذربایجان، تاسیس جمعیت دوستی جوانان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی در تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۴ با حضور نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی یهودی سخونت و کارمندان سفارت رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان با هدف توسعه بخشیدن به ارزش‌های تاریخی، ملی و معنوی میان ملت‌های جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی از دیگر ابزارها و شیوه‌های فرهنگی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان بوده و تمامی این موارد در حالی است که در عمل هیچ‌گونه تاریخ مشترکی میان مردم یهودی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان وجود نداشته است. (فیروزی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۶).

در ۲۷ آگوست ۲۰۰۷، کنگره آذربایجان در اسرائیل برای نشان دادن علاقه مندی‌های مردم و کولت آذربایجان برپا شد تا به خاطر نبود هیات دیپلماتیک آذربایجان در اسرائیل، کنگره به سازمان‌های خارج از کشور، امورات فرهنگی و سنتی رسیدگی کرد. کنگره همچنین مرکز فرهنگی آذربایجانی را در اسرائیل برپا کرد که نقش تعیین‌کننده در روابط دوجانبه بین آذربایجان و اسرائیل بازی می‌کند. طبق گفته‌های آقای سلیمان شاپیرو، مرکز فرهنگی آذربایجانی، آذربایجانیها و بومیهای آذربایجان را که در اسرائیل زندگی می‌کنند و علاقه‌مندان به توسعه زبان، رسوم، فرهنگ و تاریخ کشور را با هم متحد می‌کند. مرکز فرهنگی، روابط ملی در اسرائیل را ترقی می‌دهد و آذربایجانیها و بومیان آذربایجان را در رویدادهای مختلف اجتماعی و فرهنگی کشور وارد می‌کند. بر اساس اظهارات بختیار یعقوب اف، نائب رییس کنگره، هدف اصلی این مرکز، توسعه زبان، فرهنگ، رسوم ملی و نیز ایجاد یک کتابخانه آذربایجانی میباشد. (آبیل اف، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰).

در زمینه توسعه روابط فرهنگی، سازماندهی مجمع بین‌المللی رژیم صهیونیستی - جمهوری آذربایجان یکی دیگر از اقدامات استراتژیک و دراز مدت تل آویو در جمهوری آذربایجان است. در فرآیند این اقدام رژیم صهیونیستی اهداف بسیار مهمی را دنبال می‌کند که از جمله آنها به محورهای زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- تلاش برای جایگزینی ایدئولوژی قومی - ملی (پان ترکسیم و پان آدریسم) به جای باورهای دینی (شیعی) از جانب رژیم صهیونیستی

۲ - جلوگیری از روند گسترش حوزه فکری و گستره جمعیتی اسلامی - شیعی در جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز. در این رابطه یهودیان صهیونیست، عملیات رخنه و نفوذ را در ارکان تاثیر گذار، مثل کمیته دولتی امور سازمان ها و تشکل های دینی جمهوری آذربایجان آغاز کرده اند.

۳- پدید آوردن نسل جدید آذری - رژیم صهیونیستی و به تبع آن تربیت و پروراندن گروه نخبگان ترک - یهودی در یک فرآیند میان مدت با هدف در اختیار گیری مدیریت کلان جامعه جمهوری آذربایجان و ارکان قدرت در این کشور.

۴- ایجاد یک فرآیند مطالعاتی و پژوهشی در ارتباط با تاریخ موسیقی، صنایع دستی و حتی ورزشی جمهوری آذربایجان در قالب مجمع بین‌المللی رژیم صهیونیستی - جمهوری آذربایجان، این امر نشانگر وجود اهداف دراز مدت جمعیت شناختی و روان شناختی یهودیان صهیونیست در جمهوری آذربایجان است. (فیروزی، ۱۳۹۰: ۹۷).

۵- راهبردهای اسرائیل در جمهوری آذربایجان، مقابله با تقدس گرایی اسلامی است. در این بین، انتشار بخش هایی از کتاب آیات شیطانی که توسط سلمان رشدی نگاشته شده است، ممنوعیت رعایت حجاب در مدارس و توهین به ساحت مقدس پیامبر اسلام در برخی نشریات مانند: صنعت، یونیکال و آلمان نمونه هایی از طرح تخریب اسلام در جمهوری آذربایجان است که با حمایت همه جانبه اسرائیل همراه بوده است. اسرائیل از چنین سیاست هایی هدفهای مهمی را دنبال می‌کند که ایجاد زمینه مساعد برای اجرای سیاست های ضد ایرانی، مقابله پنهان با فضای ضد صهیونیستی حاکم بر کشورهای اسلامی و جلوگیری از تعمیق آموزه های اسلامی در بین مردم جمهوری آذربایجان از مهم ترین آنها است (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۳).

رژیم صهیونیستی می‌خواهد با این اقدامات این ایده را رواج دهد که رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان به نوعی هم از نظر فرهنگی و هم از نظر ساختار حکومتی و منطقه ای با یکدیگر اشتراکات فراوانی دارند. در این راستا مقامات رژیم

صهیونیستی اشغال ۲۰ درصدی خاک جمهوری آذربایجان توسط ارمنستان را به مانند اشغال سرزمین موعود یهود، توسط اعراب معرفی می کنند و جمهوری اسلامی ایران را عامل ایجاد بحران در جمهوری آذربایجان با حمایت از ارمنستان و در رژیم صهیونیستی با حمایت از گروه های جهادی می دانند. (مومنی، ۱۳۸۵: ۲۸) بدین ترتیب رژیم صهیونیستی با این اقدام ها سعی کرده است در افشار مختلف این کشور نفوذ کند و در سایه این تلاش ها به سایر اهداف خود آسان تر دسترسی پیدا کند.

عامل ایدئولوژیک نیز نقش مهمی را در روابط اسرائیل و آذربایجان ایفا می کند. فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و استقلال کشورهای مسلمان در قفقاز و آسیای مرکزی باعث رقابت شدیدی بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای ارائه الگوی اسلامی البته هر یک با شیوه خاص خود شد. گسترش بنیادگرایی اسلامی در این مناطق و یا اتحاد این کشورها با کشورهای رادیکال اسلامی در خاورمیانه می توانست تهدیدات جدی را برای اسرائیل و غرب ایجاد کند. غرب با اعلام اینکه بنیادگرایی اسلامی جایگزین تهدیدات سابق کمونیستی گردیده، در صدد بر آمد تا از طریق کشور اسرائیل به مبارزه با این تهدید شدت بخشد.

آذربایجان با بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک و همچنین با خصوصیات تاریخی و فرهنگی مشترک با جمهوری اسلامی ایران و دومین کشور بزرگ شیعه در جهان در نظر گرفته می شود. دولت نو پای آذربایجان بدلیل وجود اشتراکات فرهنگی، دینی و مذهبی بین دو ملت ایران و آذربایجان احساس خطر نمود. دولتمردان آذربایجان با تجربیات ۷۰ ساله این سرزمین از ایدئولوژی کمونیستی و تبلیغات منفی غرب در مورد بنیادگرایی اسلامی، تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرفتن یک نظام ایدئولوژیکی دیگر نمی باشد. بدین سبب است که با وجودیکه آذربایجان یک کشور مسلمان شیعه می باشد ولی از یک نظام سکولار پیروی می کند. در نظریه اکثر سیاستمداران آذربایجان قرار گرفتن یک نظام حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی اسلام شیعه در همسایگی آذربایجان که بیش از ۹۰٪ جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهد، می تواند تهدیدات زیادی برای حکومت سکولار آذربایجان به وجود آورد. همکاری بخش امنیتی دولت اسرائیل و آذربایجان تا حدود زیادی توانسته از تهدیدات بنیاد گرایان اسلامی در آذربایجان جلوگیری نمایند. چنانچه نتانیاهو در دیدار خود اظهار نمود که همکاری سه کشور اسرائیل، ترکیه و آذربایجان در مبارزه با بنیاد گرایی اسلامی بسیار مهم است. اسرائیل با تسلط داشتن بر اپراتوری دوم تلفن آذربایجان (باکسل) و فعالیت های کشاورزی و عمرانی در نزدیکی مرز ایران و آذربایجان و با استفاده از دستگاه های شنود توانسته به فعالیت های اطلاعاتی پردازد و تحرکات اسلام گرایان تندرو را تا حدودی زیر نظر داشته باشد.

اسرائیل با حضور در آذربایجان و کمک به یهودیان مقیم در قفقاز جنوبی توانست تاثیر زیادی در بین یهودیان در منطقه گذارد و آنها را جذب سیاست های خود کند. بخشی از یهودیان در جمهوری توانسته اند به راحتی به اسرائیل مهاجرت و یا سفر نمایند. یهودیان آذربایجان بدلیل منافع زیادی که از حضور اسرائیل در آذربایجان کسب می نمایند (مانند مراکز فرهنگی و خیریه و آموزشی یهود که توسط دولت اسرائیل تاسیس گردیده اند) همواره خواهان گسترش فعالیت های اقتصادی-سیاسی این کشور در آذربایجان می باشند. (ساجدی، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۴۸). اسرائیل در در جمهوری آذربایجان مراکز فرهنگی زیادی دارد که بر روابط دو کشور اثرگذار بوده است که از جمله می توان به این مراکز اشاره داشت:

الف: مرکز فرهنگی جامعه یهودیان

شعبه آذربایجانی نهاد آمریکا، مرکز فرهنگی جامعه یهودیان (جی. سی. سی.) به ریاست «کاتس ویتالی» و «میخایلوویچ» در آوریل ۲۰۰۳ در باکو راه اندازی شد. مهم ترین هدف این مرکز ایجاد پیوندهای مرکزی میان قوم یهود برای آموزش آداب و رسوم و سنن است. این تشکیلات، مراکزی همچون موسیقی و تئاتر «باشگاه میتپانا»، ویدئو کلپ و باشگاه روشنفکران را تحت پوشش دارد. برای نخستین بار مرکز علمی که ریاست آن را «آقارونوف میخائیل یا کوفلوویچ» برعهده داشت، زیر نظر مرکز فرهنگی جامعه یهودیان قرار گرفت و هدف این مرکز، ایجاد پایگاهی به منظور بررسی تاریخ، فرهنگی و قوم شناسی جوامع یهودی آذربایجان بود. این مرکز با بررسی کتب مربوط به یهودیان کوهستان در آذربایجان که حدود ۶۰۰ عنوان کتاب در زمینه های تاریخ، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم است، تحقیقات بسیاری را انجام داد (فلاح، ۱۳۸۹: ۱۶۰). آذربایجان با بهره گیری از مشاوره های این مرکز، اقدام به تحریف و مصادره شخصیت ها و نخبگان منطقه به اسم خود کرده است.

هرسال جامعه یهودیان آذربایجان با همکاری سفارت رژیم صهیونیستی در این کشور، جشنواره های کتاب در شهرهای باکو، گنجه و سومقائیت برگزار می کنند. شرکت در این جشنواره ها برای عموم مردم آذربایجان آزاد است. ناشرانی از رژیم صهیونیستی نیز با آنها فعالیت می کنند و کتاب هایی برای کودکان و نوجوانان ارائه می دهند. گاهی نیز کتب به صورت رایگان و به زبانهای روسی، آذری و انگلیسی در اختیار عموم قرار می گیرد. در بررسی محتوای این کتب، مسائلی همچون مظلومیت قوم یهود و جنایات اعراب نسبت به یهودیان گنجانده شده است تا از این طریق بتوانند حس همدردی را میان مردم آذربایجان با مردم رژیم صهیونیستی فراهم کنند و جوانان آذری

را از اقدام اعراب متنفر سازند. باشگاه یهودی هیلل در کنار فعالیت های متعدد خود ماهنامه برج را منتشر می کند که به مسائل و موضوعات مربوط به جامعه یهودیان آذربایجان می پردازد (سعادت، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

ب: انجمن امور بشردوستانه زنان یهود در جمهوری آذربایجان

انجمن امور بشردوستانه زنان یهود در جمهوری آذربایجان به ریاست «ریغودل لارسیا افیموونا» در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد و هم اکنون عضو کنسرسیوم سازمان زنان آمریکا و کشورهای مشترک المنافع است. بخشی از فعالیت این انجمن در زمینه امور خیریه و حمایت های مادی و معنوی از نیازمندان است که توسط کمیته عمومی مشترک یهودیان آمریکا (جونیت) حمایت می شود. این انجمن اخیراً شعبه ای با عنوان حمایت از زنان ستم دیده آذری در ایران راه اندازی کرده و همایش نقض ۲۰۱۲ پانلی را با موضوع حقوق زنان آذری در ایران ارائه نمود.

ج: مرکز خیریه هاوا

مرکز خیریه هاوا به ریاست «یوسق اواسولماز» در سال ۱۹۹۶ در باکو و دو شعبه دیگر آن در گنجه و آوغوز تأسیس شد. این مرکز در کنار برنامه های پشتیبانی و حمایتی خود و همچنین انجام دادن مشاوره های پزشکی فعالیت هایی در زمینه مطالعه آداب و رسوم و فرهنگ یهودیان انجام داده است. حمایت های مالی از این مرکز توسط رژیم صهیونیستی و کمیته مشترک جامعه یهودیان و نیز برخی افراد به شکل خصوصی انجام می گیرد. در کنیسه یهودیان اشکنازی، برنامه توسعه دانشکده یهود به ریاست «زلما نوولپ گنادی» رئیس جامعه مذهبی یهودیان اشکنازی در باکو به اجرا گذاشته شده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

دولت آذربایجان در راستای حمایت های خود از جامعه یهودیان آذربایجان کمک های مادی و معنوی بسیاری به جوامع یهودی این کشور کرده است. برای نمونه، به دستور وزیر آموزش جمهوری آذربایجان، زبان عبری در مدارس راهنمایی روستای «قرمرزی قصبه سی» به عنوان زبان خارجی تدریس شد و همچنین در آنجا یک «ایشیوا» وابسته به مرکز تدریس برنامه های فرهنگی و آموزشی برای جوانان یهودی احداث شد.

د: مجمع جهانی رژیم صهیونیستی - آذربایجان

یکی از اهدافی که به طور جدی در دستور کار رژیم صهیونیستی در ارتباط با جمهوری آذربایجان قرار گرفته، اقدام به «لابی سازی» است. اقداماتی مانند سازماندهی

یهودیان داخل جمهوری آذربایجان و ترویج ایده های یهود در دستور کار قرار گرفته است. به طور مسلم، ایجاد و فعال سازی چنین تشکیلاتی برای رژیم صهیونیستی اهمیت بسیار بالا و حیاتی دارد. اهدافی که در راستای تأسیس این تشکیلات تعقیب می شوند دو دسته اند:

۱- اهداف رسمی و آشکار

اهداف آشکار این مجمع عبارت اند از: انجام وظایف سفارت آذربایجان در رژیم صهیونیستی تا زمان گشایش رسمی آن، متحد ساختن تمام آذری - یهودی های ساکن در رژیم صهیونیستی و ایجاد هماهنگی در فعالیت یهودیان آذربایجانی الاصل مقیم رژیم صهیونیستی، برقراری روابط رسمی با کشورهای اسلامی غیر مخالف با رژیم صهیونیستی، ایجاد قرابت و نزدیکی بیشتر میان آذربایجانی ها و یهودیان، حمایت از روند گسترش مناسبات میان آذربایجان و رژیم صهیونیستی، تلاش برای برقراری روابط هرچه بیشتر بین دو طرف در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحکیم بیشتر روابط دوستی فرهنگی و کاری و تحکیم مناسبات دوستی و هم پیمانی بین دو کشور، ایفای نقش دیپلماسی مردمی توسط این تشکیلات با هدف رسانیدن حقایق آذربایجان و تمام حوادث آن به جامعه رژیم صهیونیستی، گسترش و توسعه همکاری با سازمانهای یهودی فعال در کشورهای جهان.

۲- اهداف غیر آشکار و اعلام نشده

اما اهداف پنهان آن مجمع عبارت اند از: تلاش برای جایگزینی ایدئولوژی قومی - ملی آذربایجانی به جای باورهای دینی (شیعی)، ممانعت از روند گسترش حوزه فکری و گستره جمعیتی - شیعی در آذربایجان و منطقه قفقاز، پدید آوردن نسل جدید آذری - رژیم صهیونیستی و به تبع آن تربیت و پروراندن گروه نخبگان ترک - یهودی در یک فرایند میان مدت با هدف در اختیار گیری مدیریت کلان جامعه آذربایجان و ارکان قدرت در این کشور، ایجاد پدیده مطالعاتی و پژوهشی در ارتباط با تاریخ موسیقی، صنایع دستی و حتی ورزشی آذربایجان در قالب مجمع بین المللی رژیم صهیونیستی - آذربایجان (سعادت قلی پور آذر، ۱۳۹۳: ۱۶۶).

در جهت بسط مناسبات فرهنگی، آذربایجان در سال ۲۰۲۰ برای بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از یهودیان مأمونی امن بوده است که عمدتاً در باکو و شهر شمالی غوبا ساکن هستند. همچنین در سال ۲۰۲۰، در جشنواره فیلم و تئاتر که در جمهوری آذربایجان برگزار شد، کارگردانان و بازیگران زیادی از اسرائیل حضور داشتند.

روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و قزاقستان (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)

از نظر فرهنگی، رژیم اسرائیل علاوه بر جذب نخبگان قزاقستانی در رشته های مختلف برای حضور در مراکز آموزشی این رژیم، در زمینه مذهبی و تبلیغ مذهب یهود از نوع صهیونیستی آن در قزاقستان فعال بوده است. خاخام های یهودی به بهانه مراسم مختلف به قزاقستان سفر و زمینه های نفوذ فرهنگی خود را فراهم می کنند. به هر حال، اسرائیلی ها در حوزه علمی - فرهنگی، از جمله فیلم، کتاب، دانشگاه و تبادل استاد و دانشجو با قزاق ها پروژه های وسیعی را دارند. (حسین زاده، ۱۳۹۳: ۸۵).

اسرائیل، با معرفی خود به عنوان میهن یهودیان جهان تلاش های بسیاری را در زمینه ترغیب یهودیان جهان برای مهاجرت به رژیم صهیونیستی انجام داده است. در رویکرد رژیم صهیونیستی به آسیای مرکزی و همچنین توسعه روابط با این کشورها، مسئله آینده سیاسی یهودیان منطقه و تلاش در جهت ترغیب آنها برای حمایت از سیاستهای اتخاذ شده از سوی رژیم صهیونیستی در منطقه سهم به سزایی دارد. علاوه بر جمعیت های باستانی یهودی همچون یهودیان بخارایی در منطقه آسیای مرکزی، یهودیان دیگری در این منطقه ساکن هستند که در اثنای جنگ جهانی دوم از لهستان و کشورهای بالتیک مهاجرت داده شده اند. با وخیم تر شدن اوضاع سیاسی - اقتصادی منطقه در دوره بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یهودیان منطقه به سایر نقاط جهان از جمله آمریکا، کانادا و رژیم صهیونیستی مهاجرت کردند و پس از سال ۱۹۹۰ نیز فدراسیون روسیه و دیگر جمهوری های آسیای مرکزی با مهاجرت های دسته جمعی یهودیان به رژیم صهیونیستی مواجه شدند؛ این مهاجرت ها نقش به سزایی در ورود رژیم صهیونیستی به آسیای مرکزی و کسب نفوذ در منطقه ایفا کرده است" (پورتاش، ۱۳۸۵، ۶۳).

جمعیت یهودی آسیای مرکزی به دو گروه عمده تقسیم می شود، یهودیان آسیای مرکزی که اغلب تحت عنوان یهودیان بخارایی شناخته می شوند و یهودیان اشکنازی یا یهودیان روسی. سابقه سکونت یهودیان بخارا در آسیای مرکزی به قرن ۵ میلادی باز می گردد. یهودیان بخارایی به طور عمده در مرزهای ازبکستان امروزی ساکن هستند و شهرهایی نظیر سمرقند و بخارا محل سکونت این دسته از یهودیان است. با این وجود در مناطقی مانند دره فرغانه و در شهرهای تاجیکستان نیز یهودیان بخارایی زندگی می کنند. یهودیان اشکنازی نیز به طور عمده در تاشکند، یکی از بزرگترین مراکز صنعتی و روسیه و همچنین در بسیاری از پایتخت ها و مراکز صنعتی جمهوری های آسیای مرکزی سکونت دارند. در مقایسه با یهودیان اشکنازی، یهودیان بخارایی به خوبی در

آداب، سنت ها و همچنین محیط زندگی کشورهای آسیای مرکزی ادغام شده اند (لوین، ۲۰۱۶: ۲۴).

ارتباط با یهودیان آسیای مرکزی و به ویژه استفاده از ظرفیت های جغرافیایی بخارا در زمینه توسعه روابط اقتصادی با کشورهایی نظیر چین و اروپا سهم به سزایی در نگرش رژیم صهیونیستی به یهودیان آسیای مرکزی دارد. بخارا از جمله مهم ترین شهرهای حوزه جاده ابریشم بوده و نقش به سزایی در گسترش و رونق این مسیر تجاری داشته است. "بخارا بیش از ۲۵۰۰ سال عمر دارد و در دوران اوج مسیر جاده ابریشم کاروان های بسیار بزرگی از سراسر جهان در این شهر اتراق می کردند. افسانه های مربوط به آبادیهای جادویی مربوط به این منطقه است. در دوران کنونی نیز بخارا به عنوان قلب بسیاری از مسافرت های فصلی در نظر گرفته میشود". به دلیل جایگاه جغرافیایی مناسب، یعنی قرار گرفتن در مسیر راه ابریشم و وجود بازارهای فراوان در آن و به دلیل رونق اقتصادی و تجاری از سوی مسلمانان مدینه التجار نامیده می شد. بخارا در همه دوره های تاریخی شهر مهمی برای عرضه کالاهای چین و آسیای غربی بوده است (زمانی محبوب، ۱۳۸۸: ۱۴).

افزایش اینبار استدلال می کند که "به طور کلی، رژیم صهیونیستی تلاش می کند تا از پناهندگان یهودی به عنوان عاملی برای نفوذ در افکار عمومی و دولت داخلی در جهت حمایت از اهداف خارجی خود استفاده کند. وجود پناهندگان یهودی در هر کشوری فعالیت دولت رژیم صهیونیستی در آن کشور را تسهیل می کند. این ارتباط با یهودیان در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به دلایل کاملاً روشن مستند نشده است. یک نگاه سطحی در ابتدا شاید چنین تصویری را به وجود آورد که روابط خارجی رژیم صهیونیستی از آن گریزان است، اما باید این موضوع را مدنظر قرار داد که این رژیم صهیونیستی است که در مورد موضوعات تصمیم می گیرد و در بسیاری از موارد این یک نوع استراتژی است که رژیم صهیونیستی چگونه از اقلیتها و یهودیان محلی در جهت منافع خود استفاده کند. یتزهاک معلم نیز عقیده دارد که دولت رژیم صهیونیستی در دو سطح عمل می کند، سطح کلی یهودیت و سطح وجودی دولت در سطح کلی یهودیت، رژیم صهیونیستی به عنوان دولت صهیونیستی - یهودی اقدام های ویژه ای را برای حفظ ملیت قومی یهودیان خارج از کشور انجام می دهد. دولت با جمعیتهای یهودی خارج از کشور در جهت رفاه، گسترش آموزش های یهودی در میان آنها و نیز افزایش هویت یهودی آنها همکاری می کند. اما در همان زمان مهم ترین تلاش دولت رژیم صهیونیستی مربوط به سطح وجودی است که دولت رژیم صهیونیستی تلاش می کند تا یهودیان خارج از کشور را بسیج کند. رژیم صهیونیستی از همه یهودیان،

شهروندان و غیر شهروندان دعوت می کند که در طرح صهیونیست مشارکت کنند. هدف مشترک جمعیت یهود به طور کلی ساختن ملت، دولت-ملت است (معلم، ۲۰۰۴: ۲۶).

قزاقستان در کنار کشورهای مانند ترکمنستان و آذربایجان از جمله کشورهایی هستند که رژیم صهیونیستی تلاش می کند از طریق توسعه روابط سیاسی - اقتصادی با آنها اهداف خود چه در زمینه بهبود وضعیت سیاسی پناهندگان یهودی در کشورهای مذکور و چه در زمینه تقویت سازی یهودیان را به سرانجام رساند. تعداد جمعیت یهودی قزاقستان در حال حاضر ۳۳۰۰ نفر است. در حالی که این بیشتر از جمعیت یهودی تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان است، کمتر از جمعیت یهودی ازبکستان (۴۲۰۰) و جمعیت یهودی جمهوری آذربایجان (۸۸۰۰ نفر) است. همچنین بر اساس آمار سفیر سابق رژیم صهیونیستی در قزاقستان، می-امی که خود نیز متولد قزاقستان است، حدود ۱۰ هزار نفر در حال حاضر در قزاقستان سکونت دارند. بیشتر جمعیت یهودی در مرکز قزاقستان، آلماتی قرار دارند" (فیلر و لیم، ۲۰۱۴: ۳۹).

بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که یکی از جنبه های پنهان روابط رژیم صهیونیستی با آسیای مرکزی به واسطه نقش بسیار مهم یهودیان آسیای مرکزی چه در داخل منطقه آسیای مرکزی و چه در خارج آن است. استناد این کارشناسان به اظهارات مقامات سیاسی کشورهای آسیای مرکزی است که نگرش مثبتی را به روابط با رژیم صهیونیستی نشان داده اند.

قزاقستان از جمله کشورهای آسیای مرکزی است که جمعیت های یهودی توانسته اند از طریق جلب حمایت دولت به فعالیت های سیاسی - فرهنگی و اقتصادی بپردازند. "جمعیت یهودی قزاقستان باثبات و سازماندهی شده است. در سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۰ سازمان یهودی، هم سکولار و هم مذهبی برای بهبود زندگی فرهنگی و مذهبی یهودیان در قزاقستان فعالیت می کنند. انجمن میتز واح، مرکز خبد لوباویتچ، کمیته توزیع مشترک و آژانس یهودی برای رژیم صهیونیستی از مهم ترین این سازمان ها هستند.

همچنین تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۵۰۰ نفر از متخصصین قزاقستان، تحت آموزش مؤسسات علمی و آکادمیک اسرائیل قرار گرفته اند. مؤسسه وایزمن - که یک مرکز علمی، پژوهشی و آموزشی است - عمدتاً تربیت و آموزش این متخصصین را عهده دار بوده است. حضور یهودیان در قزاقستان تأثیر قابل توجهی بر تقویت مناسبات اسرائیلی - قزاق داشته و بر این اساس، قزاقستان مبادرت به برگزاری پاره ای از کنفرانسهای علمی - بین المللی کرده است.

روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و ترکمنستان (از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰)

از نظر فرهنگی هم رژیم اسرائیل برنامه های متنوعی برای نفوذ به جامعه ترکمنستان در دست اجرا دارد. جذب دانشجوی، همکاری در حوزه انتقال علوم پزشکی، فنی، چاپ و کتاب و هم چنین تقویت اقلیت یهودی این کشور و حتی ایجاد بستر برای کوچ آنها به سرزمین های اشغالی، بخشی از اقدامات فرهنگی این رژیم محسوب می شود (حسین زاده، ۱۳۹۳: ۸۸).

همچنین باید اشاره داشت که در طول تاریخ تشکیل اسرائیل، این کشور ارتباط پایدار و سازمانی منحصر به فردی را با تشکیلات بهائیت داشته است. همچنین بزرگترین تشکیلات بهائیان و مکان های مذهبی مهم آنان در شهر های عکا و اورشلیم سرزمین های اشغالی قرار گرفته است. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، اهداف و منافع مشترک در عرصه سیاسی و مذهبی و زمینه های شکل گیری نزدیک این دو جریان (صهیونیسم - بهائیت) سبب شده است که بسیار از اقدامات جاسوسی در کشورهای اسلامی از جانب اسرائیل برعهده بهائی ها این کشورها قرار داده شود. ترکمنستان بهترین گزینه برای اقدامات بهائیان است؛ و این کشور برای بهائیت حس نوستالژیک فعالیت های تبلیغاتی دارد. اولین مشرق‌الاذکار بهائیان در سال ۱۹۰۸ در عشق آباد ترکمنستان تاسیس شد و با توجه به قدمت فعالیت این فرقه در آن گستره جغرافیایی، جامعه بهائیان عشق آباد با وجود جمعیت کم از ساختار تشکیلاتی قدرتمندی نسبت به مناطق دیگر آسیای مرکزی و خاورمیانه برخوردار است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار از پیروان بهائیت در خراسان به عشق آباد فرار کردند و همچنین در چند سال اخیر بهائیان فعالیت ها خود را افزایش داده اند و به دنبال یارگیری از ترکمن ها و شیعیان آذری مقیم ترکمنستان هستند و مسلماً با افتتاح سفارت اسرائیل فعالیت این فرقه از فاز تبلیغاتی به فاز اصلی خود یعنی جاسوسی در مناطق آسیای مرکزی و شمال شرقی ایران منتقل می شود.

تاثیر روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران

بخش بزرگی از کشورهای همسایه ی ایران در حیطه تمدنی اسلامی و بخش های دیگری از آن در حیطه تمدنی ایرانی قرار گرفته است. اوضاع فرهنگی - اجتماعی در جمهوری آذربایجان و تشابهات آن به ایران در زمینه مسائلی از قبیل عید نوروز، وجود مراسم های عزاداری، موسیقی، سنتهای باستانی و... علاقه اجتماعی کشوری مانند ایران را در آذربایجان ترغیب می سازد. قرابت های دینی و ایدئولوژیک ایران به خصوص با

ملت جمهوری آذربایجان امکان تأثیر پذیری مردم در کشوری مانند جمهوری آذربایجان را فراهم کرده است.

با توجه به این امر، پیامدهای نفوذ اسرائیل در جمهوری آذربایجان از منظر اجتماعی و فرهنگی دارای اهمیت بسیاری است. از طرف دیگر، این تأثیرات بیش از هر مساله ای متوجه کنترل اسلام گرایی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران می باشد. با فروپاشی شوروی و مرتفع شدن تهدیداتی که از جانب آن برای غرب شکل گرفت، جایگاه کشورهایمانند اسرائیل و ترکیه در همگرایی با ایالات متحده آمریکا رو به افول نهاد. در این راستا، آنها در راهبردهای سیاست خارجی خود تلاش بسیاری به کار بستند تا بتوانند اهمیت راهبردی خود را بازیابی کنند. در این بین، به طور ویژه در جمهوری آذربایجان نسبت به بزرگنمایی تهدیدات اسلام گرایانه هشدار دادند تا بتوانند از این طرق، از یک سو حمایت غرب را کسب کنند و از سوی دیگر این کشور را دچار هراس کنند تا بتوانند نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران را کنترل کنند. اسرائیل در جهت مقابله با اسلامگرایی مورد نظر ایران، مبادرت به اقداماتی از قبیل راه اندازی مراکز فرهنگی و اجتماعی در جمهوری آذربایجان برای یهودیان مقیم این کشور و توسعه تعاملات فرهنگی و اجتماعی و شرکای ائتلافی اش در این کشور بوده است. این مهم با توجه به تأکید بر حمایت از اهداف اسلامی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در واقع به منزله تقابل با اهداف و اصول ایران و تلاش در ایجاد محدودیت هایی بر آن بوده است که می تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید اساسی مواجه سازد. باید اشاره داشت که هویت جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف آن فرصت مناسبی فراهم آورده است تا از طریق آن بتواند دامنه ارتباطات و نفوذ خود را گسترش دهد اما این فرصت با توجه به اقدامات اسرائیل و راهبردهای این کشور در زمینه های فرهنگی و اجتماعی کمرنگ شده است. از سوی دیگر، حرکت های مبتنی بر قوم گرایی، برداشت های مختلف از دین و حکومت، تبدیل شدن ارتباطات تاریخی به دشمنی های تاریخی، تهدیدهای مهمی هستند که با توجه به مدل تعامل ایران و اسرائیل می تواند زمینه ساز تبدیل به بحران در مناسبات ملت ها و دولت های منطقه شود. یکی دیگر از مولفه هایی که زمینه ساز تهدید برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، مهار اسلام گرایی است. باید اشاره داشت که نفوذ و قدرت یابی اسرائیل در جمهوری آذربایجان از منظر فرهنگی و اجتماعی دارای اهمیت است. این نفوذ و قدرت یابی بیش از هر چیز متوجه مهار اسلام گرایی است که از جانب جمهوری اسلامی ایران حمایت می شود. اسرائیل با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد از جمله راه اندازی مراکز فرهنگی، تاسیس انجمن های دوستی، راه اندازی باشگاه یهودی هیل، برگزاری

انجمن های امور بشر دوستانه زنان یهودی، تاسیس باشگاه سلام شالوم و بنیاد صهیونیستی - آمریکایی سوروس درصدد مقابله با نفوذ ایران در آذربایجان و همچنین مهار اسلام گرایی مطلوب این کشور است.

تقویت نفوذ یهودیان در آذربایجان یکی دیگر از اهداف اسرائیل است که زمینه ساز شکل گیری تهدید برای ایران است. کشور آذربایجان به دلایل متعددی می تواند در راستای دکترین بن گورین مورد توجه اسرائیل قرار بگیرد. نخست اینکه بر طبق آمار سال ۲۰۱۹، آذربایجان وطن حدود ۱۱ هزار یهودی است که از ساکنین اولیه شهرهای آذربایجان هستند. علاوه بر آن پنج کنیسه در جمهوری آذربایجان وجود دارد و با توجه به اینکه اسرائیل نسبت به سرنوشت یهودیان در سراسر دنیا حساس است چنین پیش زمینه ای سبب تمایل هرچه بیشتر اسرائیل برای همکاری با جمهوری آذربایجان شده است.

جمهوری آذربایجان سومین کشور مسلمانی است که بعد از مصر و ترکیه با اسرائیل رابطه راهبردی برقرار کرده است (جوآنپور هروی و جعفری فر، ۱۳۹۷: ۹۵). از سوی دیگر باید اهمیت همکاری نظامی اسرائیل و آذربایجان را به خاطر وجود یهودیان این کشور و حمایت از آنها برای تأمین امنیت یهودیان آذربایجان دانست. طبق گزارش ۲۰۱۴ اتحادیه ضد افترا که اصلی ترین وظیفه خود را «مقابله با یهودستیزی و حمایت از حقوق مدنی شهروندان و هر نوع نژادپرستی و مقابله با هر نوع نفرت پراکنی» معرفی می کند ارمنستان را در میان تمام جمهوری های شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی در صدر بالاترین نگرش ضد یهودی، در حدود ۵۸ درصد جمعیت بالغ این کشور، قرار می دهد. این در حالی است که از نگاه اسرائیل از قرن پنجم تا امروز یهودیان آذربایجان در صلح و رفاه زندگی کرده اند و در زمان هولوکاست، آذربایجان به عنوان یک پناهگاه برای یهودیان اروپایی بوده است.

بدین ترتیب علت نزدیکی بیش از اندازه اسرائیل به آذربایجان نسبت به ارمنستان نیز به سبب یهودیان ساکن در آذربایجان و حفاظت از آنها نیز است. در سال ۲۰۱۶ گزارش شده است که آذربایجان ۵ میلیارد دلار برای تجهیزات دفاع از اسرائیل از جمله سیستم موشکی گنبد آهنین که برای دفاع از شهروندان اسرائیلی استفاده شده بود را برای محافظت از شهرهای مدرن آذربایجان و مردمشان در مقابل موشک های ارمنی خریداری کرده است. بدون شک فروش این سیستم بدون صلاحدیدهای امنیتی برای شهروندان یهودی نیست. علاوه بر آن روابط رو به گسترش آذربایجان و اسرائیل را باید به عنوان مسئله مهم در روابط آن دو دانست. دان ایس سفیر پر اسرائیل در آذربایجان در

این خصوص اهمیت این موضوع می گوید که پس از اعلام استقلال آذربایجان، اسرائیل چهارمین کشوری است که استقلال آن را به رسمیت شناخت. وجود جامعه یهودی در آذربایجان از زمان های قدیم بخش ویژه ای از روابط دوجانبه محسوب می شود و تعداد گردشگران اسرائیلی که در سال جاری به آذربایجان سفر می کنند، سه برابر و بیش از ۵۰ هزار نفر است. از این رو، حضور یهودیان در آذربایجان و همچنین افزایش سفرهای یهودیان به آذربایجان باعث می گردد که این کشور نسبت به دیگر کشورهای منطقه قفقاز از جایگاه ویژه ای برخوردار شود.

ایجاد بحران های قومی نیز از دیگر متغیرهای تاثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. پس از اضمحلال اتحاد شوروی و شکل گیری استقلال در جمهوری های ترک زبان، راهبردهای مبتنی بر قوم گرایی تقویت شده، در نتیجه به جریانی تهدید کننده در کشورهای مبدل شد که دارای هویت های قومی هستند. گرایش های پان آدریسم در کشوری مانند جمهوری آذربایجان، مناسبات ایران و این کشور با آن سابقه مشترک تاریخی را متأثر ساخته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

در نقشه هایی که از سوی دولت آذربایجان و برخی نهادهای دولتی وابسته به آن منتشر شده است، آذربایجان ایران هم جزئی از قلمرو آذربایجان بزرگ تلقی می شود. در نتیجه ی این امر، رشد گرایش های هویتی و قومی و استفاده از ادبیات آذربایجانی از جمله مولفه هایی هستند که آسیب پذیری ایران را به شدت افزایش می دهند. راهبردهای حمایتی اسرائیل از فعالیت گروههای تجزیه طلب در آذربایجان و همچنین افزایش تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با این کشور باعث فعال شدن گروههای خواهان جدایی در ایران گردیده است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

راهبردهای حمایتی اسرائیل از فعالیت گروههای تجزیه طلب در آذربایجان سبب فعالیت بیشتر گروههای جدایی طلب در ایران گردیده و توطئه جدایی را در منطقه دامن خواهد زد. از سوی دیگر، پیشنهاد تاسیس وزارت آذربایجان جنوبی در باکو که همواره و در مقاطع مختلف زمانی مورد اعتراض وزارت خارجه ایران قرار گرفته است، از جمله این اقدامات می باشد. اظهارات سفیر اسرائیل در آذربایجان مبنی بر اینکه همسایگان خطرناک، تل آویو و باکو را به عنوان متحدین راهبردی تبدیل کرده است موید این مهم است که همگرایی آذربایجان و اسرائیل در راستای سیاست های ضد ایرانی قرار دارد که می توان حمایت های دولتی آذربایجان و تلاش های تل آویو را در حمایت از حرکت های تجزیه طلبانه پیدا کرد.

تأثیر روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و قزاقستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

براساس این نگرش تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی ایران به دلیل وجود مولفه های ایدئولوژیکی و عقیدتی است که این تقابل دائمی است و تنها شکل تهدید است که احتمال دارد با توجه به شرایط مختلف منطقه ای و بین المللی دگرگون شود. و بسته به تحول شرایط سیاسی، اقتصادی بین المللی، منطقه ای و داخلی در هر یک از دو کشور، تهدیدها ممکن است وجوه مختلفی پیدا کند. براساس این نگرش جنگ بین ایران و اسرائیل، جنگ دو آرمانگرایی تاریخی متعارض است و جنگی است بر سر بودن و نبودن یکی از طرفین و آمال و گرایش های بنیادین هر دو سوی تعارض (بیشتر اسرائیل)، تاکنون به خوبی شناسانده شده است» براساس این دیدگاه اسرائیل وجود خود را با عدم جمهوری اسلامی ایران تعریف می کند و ج.ا. ایران نیز موجودیت خود را با عدم اسرائیل، براین اساس می توان نتیجه گرفت که اسرائیل اصلی ترین دشمن انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. این دیدگاه نزاع دو کشور را نزاعی ماسوی و ایدئولوژیک قلمداد می کند. براین اساس دشمنی اسرائیل «به تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ماهیت داعیه های آن باز می گردد. این دیدگاه تا حد زیادی بر نگرش های ایدئولوژیک راست افراطی در محافل صهیونیستی متکی است. برخی گروه های راست افراطی به رهبری برخی از خاخام های نژادپرست یهودی و با اتکا بر سنت فکری صهیونیسم، همواره تحقق سرزمین موعود یهود را در سر می پروراندند. (رنجبر ۱۳۸۴، ۲۳۵-۲۳۶).

راست گرایان افراطی هرگونه مانع سیاسی و عقیدتی برای شکل گیری این هدف را به دلیل دشمنی اسرائیل قلمداد می کنند و به همین دلیل هم بر غیرممکن بودن صلح با اعراب و دیگر کشورهای اسلامی تأکید می دارند. از نظر راست افراطی امنیت اسرائیل با صلح به خطر می افتد. و در بلندمدت به نفع اعراب و فلسطینیان تمام می شود. به هر حال براساس نگرش ایدئولوژیک، تهدیدهای اسرائیل بر ضد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، از نزاع دو آرمانگرایی متعارض نشأت می گیرد. که اگر گمان کنیم که پدید آوردن نسل ها و تسلسل تحولات، فلسفه آغازین تحولی را که ماندگار و نهادینه شده است، به زوال خواهد برد، اشتباه کرده ایم؛ برعکس اسرائیل در پی نابودی محتوای درونی انقلاب اسلامی و دوام تاریخی آن می باشد این بزرگ ترین هدفی است که صهیونیسم از دشمنی با ایران تعقیب می کند. (رنجبر ۱۳۸۴، ۲۳۶). در این راستا، اسرائیل، تقویت روابط فرهنگی میان ایران و قزاقستان را به عنوان تهدیدی اساسی برای خود تلقی می کند در نتیجه، در تلاش است تا با استفاده از عوامل مختلف روند

همگرایی میان دو کشور را کم‌رنگ سازد که این امر تهدیدی اساسی برای جمهوری اسلامی ایران است.

رژیم صهیونیستی سعی دارد با استفاده از مولفه فرهنگی - اجتماعی در برابر تشیع، نفوذ جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان را محدود سازد. علاوه بر همکاری دولت‌های دو کشور در زمینه‌های مختلف، شهرداری‌های پایتخت‌های دو کشور هم با هم همکاری و رابطه بسیار نزدیکی دارند. موافقت‌نامه همکاری بین شهرداری تل‌آویو و آلماتی در دسامبر ۱۹۹۹ به دست شهرداران دو پایتخت در سرزمین‌های اشغالی به امضا رسید. همچنین در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ دو کشور اسرائیل و قزاقستان تفاهم‌نامه تبادل استاد و دانشجو را به امضا رساندند تا بدنی ترتیب بر روابط فرهنگی ایران و قزاقستان اثر گذاشته باشند. این سطح روابط، از نفوذ همه‌جانبه رژیم صهیونیستی در قزاقستان حکایت دارد که هدف اصلی و اساسی آن مقابله با نفوذ فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است.

تأثیر روابط فرهنگی - اجتماعی اسرائیل و ترکمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اسرائیل در جهت مقابله با نفوذ فرهنگی و اجتماعی ایران در ترکمنستان در تلاش برای تقویت نفوذ بهائیان بوده است که این امر زمینه ساز تهدیدات فراوانی برای امنیت ملی ایران می‌شود. در طول تاریخ تشکیل اسرائیل، این کشور ارتباط پایدار و سازمانی منحصر به فردی را با تشکیلات فرقه بهائیت داشته است همچنین بزرگترین تشکیلات بهائیان و مکان‌های مذهبی مهم آنان در شهرهای عکا و اورشلیم سرزمین‌های اشغالی قرار گرفته است، اهداف و منافع مشترک در عرصه سیاسی و مذهبی و زمینه‌های شکل‌گیری نزدیک این دو جریان (صهیونیسم - بهائیت) سبب شده است که بسیار از اقدامات جاسوسی در کشورهای اسلامی از جانب اسرائیل برعهده بهائی‌ها این کشورها قرار داده شود.

ترکمنستان بهترین گزینه برای اقدامات بهائیان است؛ و این کشور برای فرقه ضاله بهائیت حس نوستالژیک فعالیت‌های تبلیغاتی دارد. اولین مشرق‌الاذکار بهائیان در سال ۱۹۰۸ در عشق‌آباد ترکمنستان تاسیس شد و با توجه به قدمت فعالیت این فرقه در آن گستره جغرافیایی، جامعه بهائیان عشق‌آباد با وجود جمعیت کم از ساختار تشکیلاتی قدرتمندی نسبت به مناطق دیگر آسیای مرکزی و خاورمیانه برخوردار است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار از پیروان فرقه ضاله بهائیت در خراسان به عشق‌آباد فرار کردند و همچنین در چند سال اخیر این فرقه ضاله دامنه فعالیت‌ها خود را افزایش داده

اند و به دنبال یارگیری از ترکمن ها و شیعیان آذری مقیم ترکمنستان هستند و مسلما با افتتاح سفارت اسرائیل فعالیت این فرقه از فاز تبلیغاتی به فاز اصلی خود یعنی جاسوسی در مناطق آسیای مرکزی و شمال شرقی ایران منتقل می شود.

نتیجه گیری

ابعاد مختلف همکاریهای فرهنگی و اجتماعی اسرائیل با آذربایجان را می توان در مواردی از قبیل ارسال کمک های پزشکی به مجروحان جنگی جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان، ارسال اقلام کمک رسانی به آوارگان قره باغ در جنگ اخیر این کشور در سال ۲۰۲۰ و ساخت مراکز فرهنگی اشاره کرد. همچنین برگزاری همایش ها و جشنواره با حضور مقامات فرهنگی دو کشور از جمله دیگر همکاریهای فرهنگی و اجتماعی دو کشور است. در روابط فرهنگی و اجتماعی اسرائیل و قزاقستان آنچه نمود عینی دارد، تلاش های فراوان مقامات اسرائیل در راستای جذب نخبگان این کشور، تبلیغ مذهب یهود با استفاده از خاخام های یهود، برگزاری جشنواره های مختلف کتاب و سینما و تلاش برای تبادل استاد و دانشجو است. اسرائیل برای همکاریهای فرهنگی و اجتماعی با ترکمنستان نیز اهمیت زیادی قائل است. از نظر فرهنگی، جذب دانشجو و استاد، همکاری در حوزه انتقال علوم پزشکی، فنی، چاپ و کتاب از اهمیت زیادی در مناسبات فرهنگی دو کشور برخوردار است. همچنین مناسبات مذهبی و تقویت اقلیت یهود نیز بر اهمیت روابط فرهنگی و اجتماعی دو کشور افزوده است. باید اشاره داشت که روابط فرهنگی و اجتماعی میان اسرائیل با آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در راستای جدایی هنجاری - فرهنگی آنها از ایران صورت می گیرد. اسرائیل در بعد فرهنگی و اجتماعی، تلاش گسترده ای برای نفوذ در سه کشور مذکور به کار بسته است. هدف اصلی این تلاشها از دید اسرائیل پیش گیری از نفوذ فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و مانع تراشی در برابر آن است. در این راستا، در همکاری های فرهنگی و اجتماعی اسرائیل با سه کشور مذکور، تاکید فراوانی بر قدرت یابی یهودیان شده است.

آبیل اف، شامیل. ۱۳۹۲. روابط بین آذربایجان و اسرائیل: مشارکتی غیر دیپلماتیک اما راهبردی.

پورتاش، فرات. ۱۳۸۵. یهودیان بخارایی و سیاست اسرائیل در قبال آسیای مرکزی، ترجمه جلیل. یعقوب زاده، فصلنامه ایراس. شماره ۳.

حسین زاده، نصرالله. ۱۳۹۳. چالش های منطقه ای فراروی مسلمانان آسیای مرکزی. فصلنامه پژوهشهای منطقه ای.

زمانی محجوب، حبیب. ۱۳۸۸. جغرافیای تاریخی سمرقند و بخارا"، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتابل جامع علوم انسانی، قابل دسترسی در:

www.ensani.ir/fa/content/55657/default.aspx

سعادت، علی. ۱۳۹۱. روابط استراتژیک رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان. فصلنامه ایراس. سال ششم، شماره ۷.

کی جی (۱۳۸۳)، نظریه سازنده انگاری در روابط بین الملل، تهران؛ نشر نو.

فلاح، رحمت الله. ۱۳۸۹. راهبردهای رژیم صهیونیستی در اوراسیا با تاکید بر آسیای مرکزی و قفقاز. تهران: اندیشه سازان نور.

کولایی، الهه و حبیب رضازاده. ۱۳۹۲. نقش ایران در گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل. پژوهش های روابط بین الملل. دوره ۳

مومنی، قاسم. ۱۳۸۳. جامعه یهودیان آذربایجان. تهران: موسسه ابرار معاصر تهران

Feiler, Gil, Lim, Kevin (2014), "Israel and Kazakhstan Assessing the State of Bilateral Relations", The Begin-Sadat Center for Strategic Studies, Bar-Ilan University, Mideast Security and Policy Studies No. 107.

Levin, Zeev, (2016), "Jews in Central Asia", Oxford Bibliographies, Available at: <http://www.oxfordbibliographies.com>, Accessed on: April/2017.

Mualem, Yitzhak, (2004), "Between a Jewish and an Israeli Foreign Policy: Israel-Argentina Relations and the Issue of Jewish Disappeared Persons and Detainees under the Military Junta, 1976-1983", Jewish Political Studies Review, Vol.16, No.1-2.